



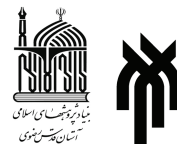
مراحل سه‌گانه پیشگیری از جرم در آموزه‌های قرآنی

دکتر قدرت‌الله خسروشاهی

عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان

پاییز ۱۳۹۳

خسروشاهی، قدرت‌الله، ۱۳۴۱ -
مراحل سه‌گانه پیشگیری از جرم در آموزه‌های قرآنی / قدرت‌الله خسروشاهی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛
مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۹۳.
نه، ۲۰۵ ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۲۷۵: حقوق؛ ۲۷)
بها: ۶۵۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص [۱۷۳]-۱۸۵؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
۱. جرم‌شناسی - جنبه‌های قرآنی. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.
۱۳۹۳ ۵ خ ۴ ج / BP ۱۰۴ ۲۹۷ / ۱۵۹
شماره کتابشناسی ملی
۳۴۹۱۸۶۱



مراحل سه‌گانه پیشگیری از جرم در آموزه‌های قرآنی

مؤلف: قدرت‌الله خسروشاهی (عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان)

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسکری

«پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» و «بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی»

صفحه‌آرایی: کاما

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۳

تعداد: ۲۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - جعفری

قیمت: ۶۵۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشران محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵ - ۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات: ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰،
ص.پ. ۳۱۵۱ - ۳۷۱۸۵ ● تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰ - ۰۲۱ و ۶۶۹۷۸۹۲۰

Website: www.rihu.ac.ir

Email: info@rihu.ac.ir

مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، صندوق پستی: ۹۱۷۳۵-۳۶۶، تلفن و دورنگار واحد فروش: ۲۲۳۰۸۰۳

www.islamic-rf.ir

info@islamic-rf.ir

سخن ناشران

نیاز گسترده جوامع علمی و حوزوی و دانشگاهی به متون درسی با نگرش اسلامی در رشته‌های علوم انسانی، حقیقتی انکارناپذیر است. برای رفع این نیاز، مراکز پژوهشی با توجه به محدودیت‌های موجود، می‌توانند با یاری و همکاری یکدیگر، آثار مشترکی تدوین و ارائه کنند تا افزون بر ارتقای کمی و کیفی پژوهش‌ها، از تکرارها و موازی‌کاری‌ها جلوگیری شود. از این‌رو، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی برای نیل به اهداف یادشده، سومین کار مشترک خود را با عنوان مراحل سه‌گانه پیشگیری از جرم در آموزه‌های قرآنی به جامعه علمی تقدیم می‌کنند.

این کتاب در گروه حقوق پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به عنوان منبع کمک‌درسی برای دانشجویان رشته‌های حقوق و علوم سیاسی در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا و نیز دیگر علاقه‌مندان به پژوهش در زمینه‌های فقهی و حقوقی به رشته تحریر درآمده است. امید است که مورد عنایت استادان و صاحب‌نظران قرار گیرد تا با پیشنهادهای ارزشمند و راهگشای خود ما را در غنی‌سازی این اثر یاری رسانند.

در پایان لازم می‌دانیم از مؤلف گرامی جناب آقای دکتر قدرت‌الله خسروشاهی و همچنین ارزیاب محترم حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای مصطفی دانش‌پژوه سپاسگزاری کنیم.

بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۲	۱. بیان مسئله
۳	۲. سؤال‌های پژوهش
۳	۳. فرضیه‌های پژوهش
۴	۴. ضرورت و اهمیت پژوهش
۵	۵. اهداف پژوهش
۵	الف) اهداف نظری
۶	ب) اهداف کاربردی
۶	۶. پیشینه تحقیق
۱۰	۷. روش تحقیق
۱۰	۸. چارچوب نظری
۱۴	۹. مروری بر نظریه‌های جرم و کجروی
۱۵	۹-۱. تبیین‌های گزینشی
۱۵	۹-۲. تبیین‌های زیست‌شناختی
۱۶	۹-۳. تبیین‌های روان‌شناختی
۱۷	۹-۴. تبیین‌های جامعه‌شناختی
۱۸	۹-۵. تبیین‌های روان‌شناختی اجتماعی
۱۸	۹-۶. نظریه اسلام
۱۹	الف) واقعی بودن جرم و کجروی
۱۹	ب) دو بُعدی بودن ماهیت انسان
۲۰	ج) توجه به همه عوامل جرم و و انحراف
۲۲	۱۰. مفهوم جرم و انحراف
۲۵	۱۱. مفهوم و الگوهای پیشگیری
۲۵	۱-۱۱. مفهوم پیشگیری

۲۷	۲-۱۱. الگوهای پیشگیری
۲۷	الف) پیشگیری عمومی و اختصاصی (خصوصی)
۲۸	ب) پیشگیری فعال و پیشگیری انفعالی
۲۸	ج) پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی (موقعیت‌مدار)
۳۰	د) پیشگیری مرتکب‌مدار و بزه‌دیده‌محور
۳۰	ه) پیشگیری سه‌مرحله‌ای

۳۹	فصل اول: پیشگیری اولی در آموزه‌های قرآنی
۳۹	۱-۱. پیشگیری اولی فردمحور
۴۰	۱-۱-۱. اعتقادات پیشگیرانه
۴۱	۱-۱-۱-۱. اعتقاد به خداوند و یگانگی او (توحید)
۴۳	۱-۱-۱-۱-۱. سازوکارهای تأثیرگذاری اعتقاد به توحید بر رفتار انسان
۴۳	الف) سازوکار محبت
۴۵	ب) سازوکار خوف و خشیت
۴۶	ج) سازوکار آگاهی و نظارت
۴۸	د) سازوکار عبادت و اطاعت
۵۰	۲-۱-۱. اعتقاد به معاد و بازگشت انسان به سوی خداوند
۵۱	۱-۲-۱-۱-۱. سازوکارهای تأثیرگذاری اعتقاد به معاد بر رفتار انسان
۵۱	الف) سازوکار تشویقی
۵۲	ب) سازوکار تنبیهی
۵۶	ج) معنا بخشیدن به زندگی
۵۷	۳-۱-۱-۱. اعتقاد به راه و راهنما
۵۹	۴-۱-۱-۱. اعتقاد به رسالت و مسئولیت انسان
۶۱	۲-۱-۱. آموزه‌های اخلاقی پیشگیرانه
۶۱	۱-۲-۱-۱. توصیه به خویش‌داری و کنترل درونی
۶۲	۲-۲-۱-۱. توصیه به بردباری، عفو و گذشت در روابط اجتماعی
۶۳	۳-۲-۱-۱. توصیه به نگرش مثبت (حسن ظن) به دیگران
۶۴	۴-۲-۱-۱. توصیه به برخورد احترام‌آمیز با دیگران
۶۵	۳-۱-۱. احکام پیشگیرانه
۶۵	۱-۳-۱-۱. احکام فردی پیشگیرانه
۶۷	۲-۱. پیشگیری اولی جامعه‌مدار
۶۸	۱-۲-۱. آموزه‌های اقتصادی
۷۰	۲-۲-۱. آموزه‌های اجتماعی
۷۲	۳-۲-۱. آموزه‌های سیاسی

۷۳ ۴-۲-۱. آموزه‌های مربوط به همبستگی اجتماعی
۷۴ ۱-۴-۲-۱. همبستگی بر محور عقیده
۷۵ ۲-۴-۲-۱. همبستگی براساس خلقت و آفرینش
۷۵ ۳-۴-۲-۱. همبستگی براساس برادری
۷۶ ۵-۲-۱. آموزه‌های حقوقی

۸۱ فصل دوم: پیشگیری ثانوی از جرم و کجروی در آموزه‌های قرآنی
۸۱ ۱-۲. گروه‌های در معرض خطر
۸۱ ۱-۱-۲. فقرا و مساکین
۸۵ ۲-۱-۲. ایتام
۸۶ ۳-۱-۲. کودکان، جوانان و نوجوانان
۸۷ ۴-۱-۲. ثروتمندان
۸۸ ۵-۱-۲. مصیبت‌دیدگان
۹۲ ۲-۲. حمایت از ائتشار آسیب‌پذیر (رفتار حمایتی)
۹۲ ۱-۲-۲. حمایت‌های شناختی و معرفتی (آگاهی‌بخشی)
۹۳ ۱-۱-۲-۲. آگاهی از حکیمانه و مدبرانه بودن حوادث ناگوار
۹۶ ۲-۱-۲-۲. اعتقاد به خیر بودن آنچه شر محسوب می‌شود
۹۷ ۳-۱-۲-۲. اعتقاد به امدادهای الهی در مقابله با مشکلات
۹۸ ۲-۲-۲. حمایت‌های عاطفی
۹۹ ۱-۲-۲-۲. تکیه‌گاه‌سازی
۱۰۱ ۲-۲-۲-۲. امیدبخشی
۱۰۲ ۳-۲-۲-۲. وعده به پاداش الهی در برابر تحمل سختی‌ها (حمایت آخرت‌مدارانه)
۱۰۴ ۳-۲-۲. حمایت‌های مادی
۱۰۴ ۱-۳-۲-۲. سیاست‌های حمایتی فردی
۱۰۵ ۱-۱-۳-۲-۲. کسب علم و دانش
۱۰۵ ۲-۱-۳-۲-۲. قناعت و صرفه‌جویی
۱۰۵ ۳-۱-۳-۲-۲. امانتداری و اجتناب از خیانت
۱۰۶ ۴-۱-۳-۲-۲. پرهیز از گناه
۱۰۶ ۵-۱-۳-۲-۲. کار و تلاش
۱۰۶ ۶-۱-۳-۲-۲. حُسن تدبیر و برنامه‌ریزی در زندگی
۱۰۷ ۲-۳-۲-۲. سیاست‌های حمایتی اجتماعی
۱۰۷ ۱-۲-۳-۲-۲. اصل تعاون و همیاری اجتماعی (تکافل اجتماعی)
۱۰۹ ۱-۱-۲-۳-۲-۲. انفاق‌های واجب
۱۱۰ ۲-۱-۲-۳-۲-۲. انفاق‌های مستحب

۱۱۰ ۲-۳-۱-۳. کفارات مالی
۱۱۱ ۲-۳-۱-۴. وصایا
۱۱۱ ۲-۳-۱-۵. نذرها
۱۱۱ ۲-۳-۱-۶. قرض الحسنه
۱۱۲ ۲-۳-۲-۲. اصل مسئولیت دولت

۱۱۵ فصل سوم: پیشگیری ثالث در آموزه‌های قرآنی
۱۱۵ ۱-۳. مباحث مقدماتی
۱۱۵ ۱-۱-۳. پیشگیری ثالث و تفاوت آن با پیشگیری اولی و ثانوی
۱۱۶ ۲-۱-۳. اجتناب‌ناپذیر بودن بزهکاری
۱۱۸ ۳-۱-۳. ضرورت اقدامات پیشگیرانه پس از ارتکاب جرم
۱۱۹ ۲-۳. واکنش در برابر بزهکاری
۱۱۹ ۱-۲-۳. حاکمیت تفکر کیفرگرا
۱۲۱ ۲-۲-۳. پدید آمدن نگرش اصلاح و تربیت
۱۲۳ ۳-۲-۳. بازگشت به کیفر
۱۲۵ ۴-۲-۳. دیدگاه اسلام
۱۲۵ ۱-۴-۲-۳. برخورداری انسان از فطرت و طبیعت مشترک
۱۲۷ ۲-۴-۲-۳. برخورداری انسان از قدرت انتخاب و تصمیم‌گیری (اراده آزاد)
۱۳۶ ۳-۳. آموزه‌های قرآن در مواجهه با انسان‌های مجرم و منحرف
۱۳۷ ۱-۳-۳. آموزه‌های غیر کیفری
۱۳۷ ۱-۱-۳-۳. بازسازی شخصیت فردی بزهکار
۱۳۷ ۱-۱-۳-۳. تشویق به توبه و بازگشت و اصلاح خویش
۱۳۹ اول) ماهیت توبه
۱۴۰ دوم) شرایط توبه
۱۴۳ سوم) آثار توبه
۱۴۶ ۲-۱-۳-۳. عفو و بخشش
۱۴۶ اول) انواع عفو
۱۴۸ دوم) موارد عفو در حقوق کیفری اسلام
۱۵۰ سوم) تحلیل جرم‌شناختی عفو
۱۵۴ ۲-۱-۳-۳. بازسازی شخصیت اجتماعی بزهکار
۱۵۴ الف) بازپذیری اجتماعی
۱۵۵ ب) از بین رفتن محرومیت‌های اجتماعی
۱۵۶ ج) توجه نکردن به سوءسابقه
۱۵۷ ۲-۳-۳. آموزه‌های کیفری

۱۵۷ آثار بازدارندهٔ کیفر	۱-۲-۳-۳
۱۵۷ (الف) بازدارندگی خاص	
۱۶۰ (ب) بازدارندگی عام	
۱۶۱ تأثیر بازدارنده کیفر از دیدگاه اسلام	۲-۲-۳-۳

۱۶۷ نتایج و پیشنهادها	
۱۶۷ (الف) نتایج	
۱۶۹ (ب) پیشنهادها	

۱۷۳ منابع و مأخذ	
-----	---------------------------	--

۱۸۷ نمایه آیات	
۲۰۱ نمایه روایات	
۲۰۲ نمایه اعلام	
۲۰۳ نمایه موضوعات	

مقدمه

جرم، کجروی و انحراف از هنجارهای اجتماعی، از کهن‌ترین مشکلات اجتماعی انسان هستند که بحث درباره آنها به تشکیل ابتدایی‌ترین اجتماع‌های بشری بازمی‌گردد. واکنش اجتماعی در برابر این پدیده نامطلوب نیز همزمان با وقوع نخستین جرم و انحراف و هنجارشکنی در شدیدترین نوع خود، یعنی کیفر و مجازات بروز و ظهور یافته است. این نوع واکنش در برابر جرم که سابقه تاریخی مکتوب و مدون آن به بیش از ۴ هزار سال پیش بازمی‌گردد، با اهداف مختلفی از جمله سزادهی، تهدید و ارعاب عام و خاص صورت می‌گرفته است و بدون تردید جلوگیری از تکرار جرم از سوی مجرمان و تهدید و ارعاب کسانی که مرتکب جرم نشده ولی مستعد برای آن هستند یکی از اهداف اساسی آن بوده است. این منطق هزاران سال راهبرد اساسی جوامع بشری در برخورد با پدیده بزهکاری و کجروی بوده است؛ به گونه‌ای که همه اندیشمندان و فیلسوفان اجتماعی و مکاتب حقوق کیفری با تکیه بر آن، پالایش جامعه از این پدیده نامطلوب اجتماعی و تحقق مدینه فاضله را نوید داده‌اند. اما واقعیت‌ها چیز دیگری را نشان می‌دهند و آن افزایش شدید آمار جرم و میزان بزهکاری و به‌ویژه، پدید آمدن انواع جدید آن متناسب با رشد و توسعه فناوری‌های نوین، به‌خصوص در بخش اطلاعات و ارتباطات است. این وضعیت تردیدهای جدی را در کارآمدی نظام عدالت کیفری به‌تنهایی برای کنترل جرم و بزهکاری پدید آورده است و اندیشمندان را به سمت یافتن راه‌حل‌های مکمل یا جایگزین سوق داده است. این راه‌حل‌ها هرچه باشند بر این اصل استوارند که هرگونه برخورد منطقی و مؤثر با پدیده بزهکاری مستلزم درک صحیح و عالمانه ماهیت این پدیده و علل و عوامل مؤثر بر آن است، اصلاح و تربیت مجرمان، بازپروری، اِعمال اقدامات تأمینی و تربیتی، مبارزه با علت به جای معلول، جرم‌زدایی، کیفرزدایی، قضازدایی و بالأخره پیشگیری از وقوع

جرم، از جمله راه‌حل‌هایی هستند که محصول نگرش جدید به ماهیت جرم و عوامل مؤثر بر آن و به‌ویژه شخصیت مجرم‌اند.

۱. بیان مسئله

به دنبال موفق نبودن نظام‌های کیفری در کنترل جرم و بزهکاری و نیز اعلام رسمی شکست سیاست‌های اصلاح و درمان در مبارزه با انحراف و کجروی (پرادل، ۱۳۷۷، ص ۱۱۸) امروزه سیاست جنایی کشورها در سطح ملی و نیز سیاست جنایی سازمان ملل در سطح بین‌المللی به سمت سیاست‌های پیشگیرانه گرایش پیدا کرده تا با ارائه راهکارهایی بتوانند با شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم به مواجهه با این خطر بروند و آن را کاهش داده یا از بین ببرند. مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که سیاست جنایی اسلام در مبارزه با جرم و انحراف به چه سمت و سویی گرایش دارد و راهکار اساسی آن کدام است؟ آیا اسلام در مسیر مبارزه با جرم و انحراف صرفاً بر سیاست کیفری خویش تکیه نموده است یا بر سیاست پیشگیری؟ و هر کدام از این دو، چه جایگاهی در سیاست جنایی اسلام دارند؟ آیا سیاست اصلی و زیربنایی سیاست کیفری است یا سیاست پیشگیری؟ و اگر اسلام راهکارهای پیشگیرانه را نیز مطرح نموده است این راهکارها کدام‌اند و در چه زمینه‌هایی مطرح شده‌اند و از چه الگویی پیروی می‌کنند؟ راهکارهای پیشگیرانه‌ای که اسلام در مسیر مبارزه با جرم و کجروی مطرح نموده به لحاظ محتوایی چه تفاوتی با راهکارهای مطرح‌شده در جرم‌شناسی پیشگیری دارند؟ آیا این راهکارها بیشتر بر کنترل‌های درونی تأکید دارند یا بر سازوکارهای بیرونی؟

مجموعه این سؤال‌ها پیرامون یک مسئله مطرح شده و آن این است که خطوط کلی سیاست‌های پیشگیرانه اسلام در مبارزه با جرم و انحراف چیست و چه تفاوتی با الگوهای مطرح‌شده در جرم‌شناسی پیشگیری دارد؟

البته از آنجا که متن اصلی و منشأ همه آموزه‌های دینی، قرآن کریم است و دیگر آموزه‌های دینی به آن بازگشته و در شرح و تفسیر آن بیان شده‌اند، در این پژوهش تأکید بر تبیین آموزه‌های قرآنی در قلمرو پیشگیری از جرم بوده و از دیگر آموزه‌های دینی، جز به مناسبت توضیح آیات قرآن، استفاده‌ای نشده است و به نظر می‌رسد چنانچه آیات قرآن در این زمینه به‌خوبی توضیح داده شوند، پرداختن به دیگر آموزه‌های دینی چندان مورد نیاز نخواهد بود. در هر صورت، این تلاش علمی با محوریت آیات قرآن صورت گرفته و می‌خواهد پیشگیری از جرم را در آموزه‌های قرآنی بررسی کند.

۲. سؤال‌های پژوهش

با روشن شدن مسئله مورد پژوهش کتاب، یعنی سیاست جنایی اسلام در مبارزه با جرم و انحراف، کتاب حاضر در پی پاسخ به پرسش‌های ذیل است:

- الف) سیاست اصلی و زیربنایی اسلام در مبارزه با جرم و انحراف چیست؟
- ب) سیاست پیشگیری از جرم در اسلام چه نسبتی با سیاست کیفری آن دارد؟
- ج) راهکارهای پیشگیرانه اسلام با چه الگویی از الگوهای مطرح شده در جرم‌شناسی پیشگیری مطابقت دارند؟
- د) راهکارهای پیشگیرانه اسلام چه تفاوت‌هایی با راهکارهای مطرح شده در جرم‌شناسی پیشگیری دارند؟
- ه) آیا در آموزه‌های اسلامی، پیشگیری کیفری نیز به عنوان یک راهکار مطرح شده است؟

۳. فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌ها، پاسخ‌هایی حدسی و هوشمندانه‌اند که پژوهشگر براساس وسعت اطلاعات و آگاهی‌های خود در مورد موضوع تحقیق به سؤال‌های تحقیق داده و تحقیق خود را براساس آنها سازمان‌دهی کرده، سپس به اثبات یا رد آنها می‌پردازد.

در این پژوهش، متناسب با سؤال‌های مطرح شده، فرضیه‌های ذیل به نظر می‌رسند:

- الف) سیاست اصلی و زیربنایی اسلام در مبارزه با جرم و انحراف، سیاست مداخله‌بازدارنده است که با شناخت کامل از همه عوامل بزهکاری و تلاش برای کنترل و کاهش آنها صورت می‌گیرد؛
- ب) سیاست پیشگیری از جرم در سیاست جنایی اسلام مقدم بر سیاست کیفری بوده و بخش بزرگی از آموزه‌های قرآنی را به خود اختصاص داده است که در مقایسه با آموزه‌های کیفری، گستردگی بسیار زیادی دارد، به گونه‌ای که سیاست کیفری در مقایسه با سیاست پیشگیری یک سیاست فرعی و حاشیه‌ای محسوب می‌شود؛
- ج) با توجه به اینکه جامع‌ترین الگوی پیشگیری از جرم در جرم‌شناسی پیشگیری، الگوی پیشگیری سه مرحله‌ای است، به گونه‌ای که الگوهای دیگر را می‌توان در ضمن آن قرار داد و آموزه‌های قرآنی نیز سیاست‌های جامعی را به منظور پیشگیری از جرم مطرح نموده است، به نظر می‌رسد راهکارهای پیشگیرانه مطرح شده در قرآن را می‌توان براساس الگوی پیشگیری سه مرحله‌ای دسته‌بندی و ارائه نمود؛

د) به‌رغم مطابقت شکلی و ظاهری سیاست‌های پیشگیرانه قرآنی با الگوی پیشگیری سه‌مرحله‌ای، به نظر می‌رسد به لحاظ محتوایی تفاوت‌های اساسی میان این دو الگو وجود دارد. در الگوی قرآنی پیشگیری، راهکارهای پیشگیرانه، ضمن توجه به همه عوامل مادی و معنوی (بیرونی و درونی) جرم و انحراف، از نظر فردی به دنبال ایجاد یک تحول اساسی در شخصیت انسان‌ها براساس ارزش‌های متعالی هستند تا از این طریق انسان را به مرحله‌ای از رشد و تعالی برسانند که کمترین نتیجه آن اجتناب و خودداری داوطلبانه از انحراف و کجروی است و از نظر اجتماعی نیز به دنبال ساختن جامعه‌ای نمونه از نظر اخلاقی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی هستند که در آن همه عوامل و زمینه‌های انحراف و کجرفتاری از میان رفته باشند و انسان‌ها بتوانند به راحتی نیازهای اساسی خود را تأمین کنند و به اهداف اجتماعی خود نائل شوند؛

ه) با توجه به اینکه در الگوی سه‌مرحله‌ای پیشگیری، آخرین مرحله مربوط به پس از وقوع جرم است و در این مرحله واکنش‌های متفاوتی نسبت به مجرم نشان داده می‌شود که یکی از آنها واکنش کیفری بوده و در آموزه‌های دینی نیز برخورد کیفری با مجرم به عنوان آخرین راهکار پیش‌بینی شده است، به نظر می‌رسد، وضع و اجرای مقررات کیفری اسلام نیز در راستای پیشگیری مرحله سوم قابل ارائه باشد؛ اگرچه در این مرحله راهکارهای غیر کیفری نیز ارائه شده است.

۴. ضرورت و اهمیت پژوهش

با توجه به اینکه پس از انقلاب اسلامی ایران، آموزه‌های کیفری اسلام به صورت رسمی در متن قوانین کیفری قرار گرفتند و با برخورداری از ضمانت اجرای دولتی به مورد اجرا گذاشته شدند، این بخش از سیاست جنایی اسلام ظهور و بروز خاصی پیدا کرد و این تصور را به وجود آورد که سیاست اصلی اسلام در مبارزه با جرم و انحراف یک سیاست کیفری است. عامل دیگری که در پدید آمدن این ذهنیت نادرست تأثیر داشت آن بود که هرگز در کنار اجرایی شدن سیاست کیفری اسلام، سیاست‌های اقتصادی، فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی آن اجرایی نشدند و نقش خود را در پیشگیری از وقوع جرم و کجروی ایفا نکردند.

برای اثبات نادرست بودن این تصور و اثبات اینکه سیاست اصلی اسلام در مبارزه با جرم و کجروی، سیاستی کنشی و پیشینی است، نه واکنشی و پسینی و نیز اینکه سیاست کیفری اسلام بخش بسیار کوچکی از سیاست جنایی آن را در مبارزه با جرم و کجروی تشکیل می‌دهد، انجام

این پژوهش ضروری به نظر رسید. از سوی دیگر، با توجه به اینکه هیچ پژوهش مستقلی برای ارائه راهکارهای پیشگیرانه اسلام و معرفی عمق و ابعاد آنها ارائه نشده، به نظر می‌رسد ارائه روشمند و دسته‌بندی‌شده این راهکارها امری ضروری است تا از این طریق بتوان تصور درست و کاملی از ابعاد مختلف سیاست جنایی اسلام پیدا کرد و از مسئولان و دست‌اندرکاران امر مبارزه با جرم و بزهکاری، عملیاتی شدن آنها را خواستار شد. افزون بر اینها، تبیین سیاست‌های پیشگیرانه اسلام این فرصت را فراهم می‌کند تا مقایسه‌ای میان این سیاست‌ها و آنچه در جرم‌شناسی پیشگیری مطرح شده صورت گیرد و ویژگی‌ها و برجستگی‌های سیاست‌های پیشگیرانه اسلام مطرح شوند و به‌ویژه این واقعیت آشکار شود که رویکرد پیشگیرانه به جرم و کجروی مسئله جدید و تازه‌ای نیست که خاستگاه آن نظریه‌های جرم‌شناختی در مغرب‌زمین بوده و از آنجا به کشورهای دیگر صادر شده باشد، بلکه اسلام در جایگاه مکتبی جامع و کامل در دورانی که این مفاهیم برای اندیشمندان غربی ناشناخته و غیر قابل تصور بوده، آموزه‌هایی را در راستای پیشگیری از انحراف و کج‌رفتاری ارائه داده است؛ هرچند این آموزه‌ها همواره مهجور و ناشناخته بوده و جز در مقاطع بسیار کوتاهی از تاریخ اسلام به منصفه ظهور نرسیده‌اند.

۵. اهداف پژوهش

اهداف یک پژوهش علمی براساس ضرورت آن تبیین می‌شوند. براساس آنچه در خصوص ضرورت و اهمیت پژوهش بیان شد، اهداف این پژوهش در دو بخش اهداف نظری و اهداف کاربردی بیان می‌شوند:

الف) اهداف نظری

- اول: تبیین سیاست‌های اصولی و زیربنایی اسلام در راه مبارزه با جرم و انحراف؛
- دوم: تبیین سیاست‌های پیشگیرانه اسلام و تعیین جایگاه آن در سیاست جنایی اسلام؛
- سوم: مقایسه سیاست‌های پیشگیرانه اسلام با آنچه در جرم‌شناسی پیشگیری به عنوان جامع‌ترین الگوی پیشگیری مطرح شده است؛
- چهارم: ارائه یک الگوی جامع پیشگیری براساس آموزه‌های قرآن؛
- پنجم: مقایسه جایگاه سیاست کیفری و سیاست پیشگیری در سیاست جنایی اسلام؛

ششم: اثبات تقدم سياست جنایی اسلام در ارائه راهکارهای پیشگیرانه درباره آنچه جرم‌شناسان در دهه‌های گذشته در این زمینه ارائه کرده‌اند.

ب) اهداف کاربردی

اول: در اختیار قرار دادن راهکارهای پیشگیرانه اسلام در حوزه‌های مختلف عقیدتی، اخلاقی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، به منظور اجرایی شدن آنها از سوی مسئولان مربوط در دستگاه‌های دولتی و نهادهای مردمی و استفاده از مشارکت مردمی؛
دوم: به‌کارگیری همه نهادها و سازمان‌های فرهنگ‌ساز به منظور معرفی سیاست‌های پیشگیرانه اسلام و نهادینه کردن آنها در میان مردم و به‌ویژه گروه‌های در معرض خطر بزهکاری؛
سوم: ارائه برنامه‌های جامع و مرحله‌بندی‌شده پیشگیرانه براساس آموزه‌های قرآنی برای تدریس در مدارس، دانشگاه‌ها، زندان‌ها و مراکز بازپروری؛
چهارم: غنی‌سازی برنامه‌های تلویزیونی، اعم از فیلم‌ها و سریال‌های مرتبط با مسئله پیشگیری، براساس آموزه‌های پیشگیرانه قرآن؛
پنجم: استفاده از آموزه‌های پیشگیرانه اسلام در تدوین برنامه‌های جامع توسعه کشور و نیز قانونگذاری برای بخش‌های مختلف مرتبط با امر پیشگیری.

۶. پیشینه تحقیق

با توجه به اینکه موضوع این پژوهش در مقیاس کلی به تبیین رابطه دین و پیشگیری از جرم و کنترل اجتماعی مربوط می‌شود، تحقیقات متعددی را می‌توان یافت که به نوعی با موضوع این پژوهش ارتباط دارند. این تحقیقات بیشتر از سوی محققان داخلی و کمتر از سوی اندیشمندان خارجی ارائه شده‌اند. اما در ارتباط با خود موضوع که پیشگیری از جرم در آموزه‌های قرآنی است، تنها یک مقاله با عنوان «استراتژی قرآن در مواجهه با انحرافات اجتماعی» یافت شد که در دو قسمت، از سوی حجت‌الاسلام نصرالله آقاجانی، در دو شماره ۱۷ و ۱۸ مجله کتاب زنان در سال ۱۳۸۱ نگاشته شده بود. نویسنده در قسمت نخست مقاله به تعریف‌ها و مفاهیم جامعه‌شناختی انحرافات از دیدگاه قرآن کریم پرداخته و مبانی نظری آسیب‌شناسی اجتماعی از منظر قرآن کریم را مطرح ساخته است و در قسمت دوم، انواع مختلف انحرافات اجتماعی و راه‌های مقابله با آنها را از دیدگاه قرآن بررسی کرده است.

در این مجال به چند نمونه از پژوهش‌های دانشمندان خارجی در ارتباط با موضوع دین، انحراف و کنترل اجتماعی اشاره می‌شود:

- دین، کجروی و کنترل اجتماعی^۱ کتابی است که در سال ۱۹۹۶م، از سوی آقایان رادنی استارک و ویلیام سیمزین بریج نوشته شده که خلاصه‌ای از آن را آقای دکتر علی سلیمی ترجمه کرده و در نشریه حوزه و دانشگاه شماره ۲۲ به چاپ رسانده است. با توجه به خلأ موجود در زمینه تحقیقات تجربی در رابطه با قدرت بازدارندگی دین در برابر پدیده‌هایی مانند جرم، بزهکاری جوانان، خودکشی، مصرف مواد مخدر و مانند آن، نویسندگان این کتاب را «نخستین تحلیل جامع» در بررسی این موضوع دانسته و ادعا می‌کنند که توانسته‌اند اثرات واقعی دین بر رفتار انسان‌ها و نیز پیچیدگی این اثرات را توضیح دهند.

- «بررسی مجدد رابطه دین و جرم»^۲ مقاله‌ای است که در سال ۱۹۹۵م، از سوی آقای تی. دیوید ایوانز و دیگران نوشته شده و در نشریه جرم‌شناسی انجمن جرم‌شناسان آمریکابه چاپ رسیده است و آقای علی سلیمی آن را ترجمه کرده و در نشریه حوزه و دانشگاه شماره ۲۳ به چاپ رسیده است. در این مقاله ضمن بیان دیدگاه‌های مختلف در مورد رابطه دین و بزهکاری این واقعیت را مطرح می‌کنند که: دین صرفاً در صورتی انسان‌ها را به نظم اخلاقی ملزم می‌سازد که اثرات آن، فرهنگ، جامعه و کنش‌های متقابل اجتماعی افراد مورد نظر را تحت تأثیر قرار داده باشد. بنابراین، آنان مدعی‌اند که در اجتماعاتی که مشخصه آن وجود سطوح نازلی از دینداری است، نمی‌توان متوقع تأثیر قوی دین بر اشخاص بود.

- تأثیر باورهای دینی و تعهدات مذهبی روی رفتار بزهکارانه، رساله دکتری آکیتوند کوادری آدیسون در سال ۱۹۹۳م، است. در این تحقیق اهمیت دین در جلوگیری، یا دست‌کم کاهش رفتارهای بزهکارانه نشان داده شده است (آکیتوند کوادری آدیسون، ۱۹۹۳).

- لاکفیلد و همکاران در پژوهشی با نام ابعاد دینداری به عنوان واسطه‌هایی از روابط بین رفتار انحرافی و والدین و بزرگسالان، در سال ۱۹۹۷م، نشان دادند که سه بُعد دینداری به صورت متغیرهای مداخله‌گرایانه بین رفتارهای والدین و انحراف عمل کرده و انتظار والدین این است که دینداری فرزندانشان انحراف بعدی آنها را برطرف سازد (لاکفیلد و داروین، ۱۹۹۷).

1. Religion, Deviance & Social Control

2. Crime & Religion, De-Examined

3. Adeseun, Akintunde Quadri

4. Litchfield & Darwin

- چادویک و تاپ نیز در تحقیقی نتیجه‌گیری می‌کنند که دو معیار دینداری، یعنی رفتار مذهبی و احساسات دینی در پیشگیری از بزهکاری دخالت دارند، به نحوی که هرچه شدت رفتار مذهبی در بُعد خصوصی بیشتر باشد و احساسات دینی قوی‌تر بوده و مقبولیت بیشتری داشته باشد، میزان ارتکاب بزهکاری کمتر خواهد بود (چادویک و تاپ، ۱۹۹۳).

در کنفرانسی که در سال ۱۳۹۶/ق ۱۹۷۶م، در عربستان سعودی با نام «تأثیر قوانین اسلام بر پیشگیری از جرم» برگزار شده نیز سه مقاله با نام‌های «تأثیر دین علیه بزهکاری»، «تأثیر آموزه قرآنی - بهره‌برید از آنچه خوب است و دوری کنید از آنچه بد است - بر پیشگیری از جرم» و «تأثیر تربیت اسلامی در پیشگیری از جرم» به تبیین تأثیر دین بر پیشگیری از جرم پرداخته‌اند (The Effect of Islamic Legislation on Crime Prevention, 1976, pp.147-297).

این نوع تحقیقات که البته بسیار محدود هم هستند رابطه دین (به مفهوم کلی آن) را با جرم، انحراف و کنترل اجتماعی به صورت تجربی بررسی کرده و نتایج بعضاً متناقضی را هم ارائه کرده‌اند.

اما پژوهش‌های مرتبط با موضوع در داخل کشور و در ارتباط با تأثیر اسلام بر پیشگیری و کنترل اجتماعی:

- کتابی با نام نقش اسلام در پیشگیری و کاهش بزهکاری، نوشته آقای مهدی علیزاده که در سال ۱۳۸۲ انتشار یافته و بخش‌هایی از آموزه‌های پیشگیرانه اسلام را ارائه داده است.

- کتابی با نام پیشگیری و ریشه‌یابی جرم در اسلام، تألیف آقای عباسعلی محمودی در سال ۱۳۶۱ چاپ شده که ضمن علت‌شناسی جرم و انحراف از دیدگاه اسلام به ارائه راهکارهای پیشگیرانه از دیدگاه اسلام پرداخته است.

- پایان‌نامه‌ای با نام نقش تعالیم دین اسلام در پیشگیری از وقوع جرم، که در سال ۱۳۸۴، در دانشگاه آزاد اسلامی از سوی آقای حسن پوریانی مهدیرجی نگاشته شده و در آن به برخی دستورهای اخلاقی پیشگیرانه اسلام پرداخته است.

- پایان‌نامه‌ای با نام پیشگیری از وقوع جرم در اسلام، که در سال ۱۳۷۱، در دانشگاه شهید بهشتی و از سوی آقای مرتضی درودیان نگاشته شده و در آن به برخی اعتقادات و اخلاقیات پیشگیرانه اسلام پرداخته است.

- پایان‌نامه‌ای با نام امر به معروف و نهی از منکر و نقش آن در پیشگیری از وقوع جرم، که در

سال ۱۳۷۹ در دانشگاه آزاد اسلامی، از سوی آقای سلیمان کامیابی نوشته شده و در آن به آثار بازدارنده امر به معروف و نهی از منکر پرداخته است.

- پایان نامه‌ای با نام سیاست کیفری اسلام در پیشگیری از جرایم و کاهش بزهکاری، که از سوی آقای مراد کیانی، در سال ۱۳۷۸، در دانشگاه آزاد اسلامی نوشته شده و به تأثیر سیاست کیفری اسلام بر پیشگیری از جرم و کاهش بزهکاری پرداخته است.

- پایان نامه‌ای با نام نقش امر به معروف و نهی از منکر در پیشگیری از جرم که از سوی آقای سیدهادی آل طاهر در سال ۱۳۷۷، در دانشگاه آزاد اسلامی، نوشته شده و در آن به تأثیر یکی از آموزه‌های قرآنی بر پیشگیری از جرم پرداخته است.

در تحقیقات دیگری به نقش خانواده در پیشگیری از جرم، نقش ازدواج در پیشگیری از جرم و مانند آن پرداخته شده است که همه در راستای تبیین سیاست‌های پیشگیرانه اسلام در مسیر مبارزه با جرم و کجروی هستند. افزون بر این نوع تحقیقات، که به صورت نظری به ارائه راهکارهای پیشگیرانه براساس آموزه‌های دینی پرداخته‌اند، تحقیقاتی تجربی و میدانی نیز در خصوص اثبات رابطه معکوس دینداری و بزهکاری انجام گرفته که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

- پژوهشی با نام «تدین اسلامی و بزهکاری» که آقای سیدحسین سراجزاده در سال ۱۹۹۸م، به روش پیمایشی آن را انجام داده و نتایج آن در کتاب چالش‌های دین و مدرنیته در سال ۱۳۸۳، منتشر شده و بیانگر آن است که دینداری، ارتباط معکوس و نسبتاً قوی با بزهکاری دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان‌های شهر تهران دارد (سراجزاده، ۱۹۹۸).

- مقاله‌ای با نام «نقش دینداری در ممانعت از بزهکاری جوانان شهر تهران» که از سوی آقای حسین نازک تبار و دیگران، در سال ۱۳۸۵ در شماره ۲۲ نشریه رفاه اجتماعی، به چاپ رسیده است و در آن به صورت تجربی فرضیه‌های ذیل به اثبات رسیده‌اند: میان اعتقادات دینی جوانان و میزان بزهکاری آنان رابطه معکوس وجود دارد؛ بین انجام مناسک دینی از سوی جوانان و میزان بزهکاری آنان رابطه معکوس وجود دارد. میان تجربه‌های معنوی جوانان در زندگی و میزان بزهکاری آنان رابطه معکوس وجود دارد.

۷. روش تحقیق

پژوهش حاضر که پژوهشی نظری است و به صورت مقایسه‌ای و تطبیقی انجام می‌گیرد، مانند بسیاری از پژوهش‌ها در حوزه علوم انسانی، پژوهشی توصیفی - تحلیلی است که به صورت روشمند، به تحلیل متون دینی مربوط به موضوع تحقیق، یعنی پیشگیری از جرم و کجروی و کنترل رفتار می‌پردازد. بدیهی است با توجه به تطبیقی بودن موضوع، نخست به بررسی مفهوم و الگوهای پیشگیری از جرم در حوزه جرم‌شناسی پیشگیری پرداخته شده، سپس با مراجعه به آیات قرآن به عنوان منبع اصلی آموزه‌های دینی و استخراج آیات مربوط به این موضوع و دسته‌بندی و قرار دادن آنها در الگوی پیشگیری سه‌مرحله‌ای از جرم و کجروی، به بررسی تطبیقی این دو الگو پرداخته شده است. در انتخاب آیات مربوط به موضوع، نخست براساس پیش‌فرض‌هایی که وجود داشته به انتخاب آیات مبادرت شده، سپس براساس منابع تفسیری، برداشت از آیات مورد تأیید قرار گرفته است. گفتنی است که در این پژوهش از الگوی پیشگیری سه‌مرحله‌ای صرفاً به عنوان یک قالب و شکل استفاده شده است، ولی محتوا، تماماً براساس آموزه‌های قرآنی و برداشت‌های صورت‌گرفته از آیات است که تفاوتی اساسی با محتوای این الگو در جرم‌شناسی پیشگیری دارد.

۸. چارچوب نظری

با توجه به اینکه موضوع پژوهش در نگرش کلی به تبیین رابطه دین و کنترل رفتار انسان مربوط می‌شود، لازم است به دیدگاه‌ها و مبانی نظری در خصوص این رابطه اشاره کنیم و پس از شناخت چارچوب‌ها و مبانی نظری این بحث از دیدگاه اندیشمندان جامعه‌شناس و دین‌شناس، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، به موضوع اصلی بپردازیم. انسان‌شناسان استدلال کرده‌اند که چون هرگز نتوانسته‌ایم جامعه‌ای را بیابیم که در آن دین موجود نباشد، بنابراین، دین به عنوان نهادی اجتماعی کارکردهای خاصی دارد که فقدان آن بقای جامعه را مخدوش می‌سازد. انسان‌شناسان به چهار کارکرد عمده نهاد اجتماعی دین اشاره کرده‌اند: انسجام عاطفی؛ بازآفرینی فرهنگی؛ معناسازی (معنابخشی) و انسجام اجتماعی. دین جامعه را تحکیم می‌بخشد، رفتارهای ضد اجتماعی را منع می‌کند و راه‌هایی را برای انسجام دوباره متخلفان پیشنهاد می‌دهد (تنهایی، ۱۳۷۵، ص ۲۵۶).

از دیدگاه علوم اجتماعی، یکی از کارکردهای اصلی دین کنترل اجتماعی است. ارزش‌ها و هنجارهای مهم اجتماعی معمولاً نه فقط در قلمرو قانون، بلکه همچنین در قلمرو دین قرار

می‌گیرند و دین از طریق تقویت ارزش‌ها و هنجارهای مهم، به کنترل اجتماعی فرد کمک مؤثر می‌کند (رابرستون، ۱۳۷۲، ص ۳۳۶).

به اعتقاد برخی روان‌شناسان، انسان‌ها دارای سیستم کنترل درونی نیز هستند. دین با ایجاد یک سیستم کنترل درونی قوی در انسان‌ها، آنان را از انجام کارهای خلاف و نامشروع باز داشته و باعث می‌شود آدمیان خود را از درون کنترل کنند که این قوی‌ترین و مؤثرترین نوع کنترل است، آن هم بدون هزینه نیروهای انتظامی و غیره (رفیع‌پور، ۱۳۷۶، ص ۳۰۶). راس^۱ در کتاب کنترل اجتماعی، دین را یکی از اساسی‌ترین وسایل کنترل اجتماعی درونی می‌داند. بنا به اظهار نظر وی، هنگامی که آدمی دور از چشم آشنایان، همسایگان و دیگران است، نه قانون و نه افکار عمومی و نه هیچ چیز اجتماعی دیگر، اعمال وی را مهار و کنترل نمی‌کنند، بلکه در این مورد، کنترل عمل در پرتو ایمان به قدرتی صورت می‌گیرد که در همه مکان‌ها و زمان‌ها شاهد اعمال آدمیان است و رفتار مطلوب و نیک را پاداش داده و بدی و گناه را مجازات می‌کند (کینگ، ۱۳۴۹، ص ۱۲۱).

به اعتقاد برخی جامعه‌شناسان، یکی از مهم‌ترین عوامل افزایش میزان جرم و بزهکاری در جوامع غرب، ناشی از رویگردانی از دین بوده است.

گابریل تارد معتقد است رویگردانی از مذهب در سده نوزدهم در توسعه تبهکاری دخالت داشته است. مسیحیت‌زدایی و فقدان تربیت مذهبی که از آن ناشی می‌شود، عامل اساسی تبهکاری غربی را تشکیل می‌دهد (گش، ۱۳۷۴، ص ۱۲۲).

ویلیام. جی. بنت، در کتاب شاخص‌های فرهنگی در ایالت متحده آمریکا در پایان قرن بیستم، با بهره‌گیری از آمار رسمی اطلاعاتی آمریکا، نشان داده است که در قرن بیستم، پس از کنار زدن دین و ارزش‌های دینی از صحنه اجتماع و حاکم کردن ارزش‌های سکولار، چگونه جرم و جنایت رو به فزونی است. وی می‌نویسد:

آمار جرایم در سال ۱۹۶۰م، حدود ۳ میلیون و ۳۸۴ هزار و دویست فقره بوده است. این در حالی است که این رقم در سال ۱۹۹۷م، به ۱۳ میلیون و ۱۷۵ هزار و هفتاد مورد افزایش یافته است. البته این فقط آمار جرایم مهم، براساس تعریف اداره اطلاعات فدرال، مانند قتل، تجاوز، راهزنی، حمله مسلحانه و تجاوز به عنف و... بوده است (جی. بنت، ۱۳۸۱، ص ۱۷ و ۱۸).

دین با ایجاد اعتقاد به خداوند و حاکمیت او بر سرنوشت انسان و تأثیر رفتار انسان در نوع رابطه خداوند با انسان، اعتقاد به پاداش و کیفرهای این جهانی و آن جهانی در برابر نوع رفتار، قوی‌ترین نوع

کنترل‌های درونی را ایجاد کرده، رفتار انسان را ضابطه‌مند می‌کند. این نوع کنترل که در حوزه علوم اجتماعی به کنترل ماورای طبیعی شناخته می‌شود یکی از مباحث مهم این حوزه محسوب می‌شود؛ اگرچه آن‌گونه که باید با توجه جدی اندیشمندان این حوزه مواجه نشده است.

به هر حال، تحقیقات نشان می‌دهند تا وقتی اعضای جامعه پایبند اعتقادهای مذهبی خود باشند، به فساد و بزهکاری روی نمی‌آورند. برای مثال، در پژوهشی که از سوی مرکز ملی تحقیقات اجتماعی مصر در سال ۱۹۵۹م، انجام یافته، گزارش شده است که ۷۲ درصد از نوجوانان بزهکاری که به دلیل دزدی توقیف شده بودند، نماز نمی‌گزاردند و ۵۳ درصد آنها در ماه رمضان روزه نمی‌گرفتند، در سال ۱۹۶۱م، مطالعه دیگری بر مبنای پرسشنامه‌ای که جوانان متخلف مصری پر کرده بودند، گزارش کرد در حالی که همه آنان به دین اسلام باور داشتند، فقط ۲ درصد آنها نماز می‌گزاردند و فقط ۱۵ درصد در ماه رمضان روزه می‌گرفتند (سراج‌زاده، ۱۹۹۸؛ به نقل از طالبان: ۱۳۸۰، ص ۳۸).

یکی دیگر از ابعاد تأثیرگذار دین بر کنترل رفتار، بعد اجتماعی آن است. دین از طریق ایجاد همبستگی اجتماعی و محافظت از نظم اخلاقی نیز به کنترل رفتار پیروان خود می‌پردازد. همبستگی اجتماعی مهم‌ترین متغیر کارآمدی در مکانیسم‌های عاطفی و ارزشی کنترل اجتماعی به شمار می‌آید. با این استدلال که در این مکانیسم‌های کنترلی، هرچه ارتباط فرد با دیگران بیشتر باشد، از رفتاری که آن ارتباط و استحکام آن را خدشه‌دار سازد، بیشتر دوری خواهد کرد، بررسی نقش دین در این خصوص با معرفی عنصر محافظت از نظم اخلاقی به عنوان کارکرد عمده دین آغاز می‌شود و برحسب دو نوع اثر متفاوت دین تبیین می‌گردد؛ نخست، اثر دین در ایجاد دل‌بستگی عاطفی در افراد و تقویت این دل‌بستگی (به عنوان یکی از منابع اجتماعی و عمده همبستگی اجتماعی)؛ دوم، معنا دادن به هنجارها و منسجم ساختن آنها، با ایجاد و تقویت مفاهیم اخلاقی مشترک میان افراد (سلیمی و داوری، ۱۳۸۲، ص ۶۹۵).

متفکران مسلمان معمولاً ارتباط میان دینداری و خلافکاری را با توجه به متغیر میانجی، یعنی ایمان مذهبی و اخلاق، توضیح می‌دهند. علامه طباطبایی در این باره می‌نویسد:

هرچند قوانین و مقررات عادلانه‌ای وضع شود و احکام جزایی سخت و تهدیدکننده هم وجود داشته باشد، در عین حال جلو تخلف و ارتکاب جرم را جز به وسیله اخلاق فاضله انسانی نمی‌توان گرفت... قوانین و مقررات از تخلف و نافرمانی در امان نمی‌مانند، مگر اینکه بر پایه اخلاق فاضله انسان قرار داده شود و اخلاق هم نمی‌تواند سعادت انسانی را تضمین کند و او را وادار به انجام کارهای شایسته کند، جز در صورتی که متکی به توحید باشد... معلوم است که

اگر اخلاق متکی به چنین عقیده‌ای باشد، همی جز این برای انسان باقی نمی‌ماند که در کارهایش مراقب رضای خدا باشد و تقوایش مانع از ارتکاب جرم خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۵۴، ص ۶۰ و ۶۱).

وی همچنین درباره تأثیر اعتقاد به معاد بر کنترل رفتار می‌نویسد:

تأثیر ایمان به معاد در اعمال فردی و اجتماعی افراد از این راه است که انسان معتقد به معاد می‌داند که اعمالش دائماً تحت کنترل بوده ظاهر و باطن اعمالش پیش خدای دانا و بینا روشن بوده و روزی در پیش دارد که با کمال دقت به حساب وی رسیدگی خواهد شد و این عقیده کاری را در انسان انجام می‌دهد که از دست ۱۰۰ هزار پلیس مخفی و مأمور آگاهی بر نمی‌آید؛ زیرا همه آنها از بیرون کار می‌کنند و این یک نگرهبانی داخلی است که هیچ سری را از وی نمی‌شود پوشید (طباطبایی، ۱۳۵۵، ص ۱۲۳).

استاد شهید مطهری مکانیسم تأثیر دینداری و ایمان مذهبی بر تقلیل کجروی را این‌گونه توضیح می‌دهد:

به هر اندازه که ایمان مذهبی انسان بیشتر باشد، بیشتر به یاد خداوند است و به هر اندازه که انسان به یاد خداوند باشد، کمتر معصیت می‌کند. معصیت کردن و نکردن دایرمدار علم و آگاهی نیست، بلکه دایرمدار غفلت و تذکر است؛ به هر اندازه که انسان غافل باشد، یعنی خداوند را فراموش کرده باشد، بیشتر معصیت می‌کند و به هر اندازه که خداوند بیشتر به یادش بیاید، کمتر معصیت می‌کند (مطهری، ۱۳۶۴، ص ۸۵-۸۸).

دکتر سروش نیز مهم‌ترین عامل کنترل اجتماعی یا مؤثرترین نیروی ممانعت‌کننده از خلافکاری را اخلاق می‌داند که از راه دینداری تأمین و تقویت می‌شود:

در زندگی آدمیان و در روابط خرد میان آنها هزار نکته باریک‌تر از مو هست که دست قانون و کنترل بیرونی به آنها نمی‌رسد. بسیاری از روابط انسانی و حتی قانون و اجرای آن متکی به نوعی کنترل درونی هستند که عبارت است از «اخلاق». اگر جامعه غیر اخلاقی باشد، نهایتاً از دستگاه‌های قضایی و قانونی هم، کاری ساخته نیست. از این‌رو، ما به عنصری از تقوا و ضبط و کنترل محتاجیم که در عمق جان‌ها نشسته باشد و آدمیان ذاتاً و قلباً به آن پایبند باشند. این عنصر اخلاقی همان است که ما آن را از راه دینداری تأمین می‌کنیم (سروش، ۱۳۷۴، ص ۴۶).

برخی روان‌شناسان دینی ضمن برشمردن آثار فردی دینداری تحت نام آرامش روان، خشنودی و رضایت از زندگی، تفسیر خوش‌بینانه از مرگ و سلامت جسمی که همگی بر کنترل رفتار تأثیرگذار هستند، آثار اجتماعی دین را انسجام اجتماعی، کاهش جرم و انحراف، نوع‌دوستی و کمک به دیگران دانسته‌اند و در توجیه تأثیر دینداری بر کاهش جرم و انحراف نوشته‌اند: از افراد

متدین انتظار آن است که در مقایسه با غیرمتدینان کمتر دچار جرم و انحراف شوند. این انتظار به دلیل وجود آموزه‌های دینی درباره زشتی رفتارهای مجرمانه و نیز به دلیل آن است که فرد به علت دینداری و رسیدن به آرامش و اطمینان خاطر، و قطع تعلق [شدید] به مسائل این جهانی، شهوت و غضب را که سرمنشأ بسیاری کجروی‌ها هستند، مهار کرده و تا حدود زیادی خود را از قیدوبند آنها رها کرده است و بنابراین، انگیزه‌ای برای این انحرافات ندارد...؛ شاید بتوان ادعا کرد که اصولاً پرهیز از جرم و انحراف، بدون دینداری ممکن نیست؛ زیرا این جرایم غالباً با مسائل اخلاقی مرتبط‌اند و اخلاق بدون دین، پشتوانه و اعتباری ندارد... اگر اصول اخلاقی‌ای که به انسان آموزش داده می‌شود، بدون پشتوانه ایمان به خدا باشد، با بالا رفتن سن و افزایش آگاهی، پایندی به آنها کمتر خواهد شد و سرانجام همانند یخی در زیر تابش آفتاب، حقیقت ذوب خواهد شد (آذربایجانی و موسوی اصل، ۱۳۸۵، ص ۱۶۷-۱۶۹).

در تبیین مبانی نظری این پژوهش و به منظور اتخاذ یک مبنای تئوریک و نظری برای ارائه راهکارهای پیشگیرانه در سیاست جنایی اسلام لازم است مروری اجمالی بر نظریه‌های جرم و کجروی داشته باشیم و پس از آن نظریه مورد قبول آموزه‌های قرآنی را تبیین نموده، راهکارهای پیشگیرانه را بر آن تئوری استوار سازیم.

شایان گفتن است که به اعتقاد جرم‌شناسان، نظریه‌های پیشگیری، مبتنی بر نظریه‌های جرم و کجروی هستند، به این معنا که ارائه هر الگویی برای پیشگیری از جرم، نیازمند یک مبنای تئوریک است. براساس شناخت ماهیت کجروی و علل و عوامل مؤثر بر آن است که می‌توان راهکاری برای پیشگیری و کنترل آن ارائه داد. بدیهی است راهکارهای کنترل‌کننده و پیشگیرانه اسلام نیز مبتنی بر یک نظریه جرم‌شناختی هستند که بدون توجه به آن نظریه این راهکارها توجیه واقعی خود را پیدا نمی‌کنند.

۹. مروری بر نظریه‌های جرم و کجروی

هدف نهایی همه تبیین‌های جرم و انحراف آن است که راهکارهای مفید و مؤثری برای کنترل جرم و کجروی و پیشگیری از وقوع آن ارائه دهند. به همین دلیل، راهکارهای پیشگیرانه نمی‌توانند مستقل و بدون اتکا به یک نظریه جرم‌شناختی ارائه شوند و براساس همین واقعیت، جرم‌شناسان معتقدند نظریه‌های جرم، نظریه‌های پیشگیری نیز هستند (میک ماگوری و دیگران،^۱ ۱۹۹۷،

1. Mike Maguire et al.

ص ۹۶۵)؛ به این معنا که هر یک از تبیین‌های ارائه‌شده در حوزه‌های متفاوت زیستی، روانی، روان‌شناختی اجتماعی و جامعه‌شناختی، به گونه‌ای خاص خود، به ارائه راه‌حلی برای مواجهه با وقوع این پدیده پرداخته است.

در اینجا با توجه به تنوع و گستردگی نظریه‌های جرم‌شناختی و نبودن امکان پرداختن به همه آنها، ضمن دسته‌بندی این نظریه‌ها و بیان راهکارهای پیشنهادی از طرف آنها، دیدگاه اسلام را در خصوص ماهیت جرم و انحراف، علل آن و راهکارهای بازدارنده و پیشگیرانه، مطرح خواهیم کرد.

نظریه‌ها یا تبیین‌های جرم و انحراف را می‌توان به شش گروه عمده تقسیم کرد: ۱. تبیین‌های گزینشی؛ ۲. تبیین‌های زیست‌شناختی؛ ۳. تبیین‌های روان‌شناختی؛ ۴. تبیین‌های جامعه‌شناختی؛ ۵. تبیین‌های روان‌شناختی اجتماعی؛ ۶. تبیین‌های تلفیقی.

۹-۱. تبیین‌های گزینشی

در این دیدگاه‌ها فرض بر آن است که اولاً، جرم و انحراف واقعیتی عینی دارند و اقدامی علیه منافع و مصالح عمومی و ارزش‌ها و هنجارهای مورد وفاق اکثریت جامعه هستند؛ ثانیاً، کجروی ناشی از اراده آزاد و انتخاب آگاهانه انسان است که با هدف رسیدن به منافع و لذت‌هایی نامشروع انجام می‌شود. در این رویکردها مهم‌ترین راه‌حل پیشگیرانه بازدارندگی از طریق اعمال مجازات است که به صورت بازدارندگی عام و بازدارندگی خاص تحقق می‌یابد. البته این مجازات‌ها برای آنکه بتوانند چنین تأثیری داشته باشند به جای شدت باید از دو عنصر حتمیت و سرعت در اجرا برخوردار باشند. در این رویکردها پیشگیری به مفهوم جرم‌شناختی آن نیز مطرح است که بیشتر، از طریق کاهش فرصت‌های جرم‌زا صورت می‌گیرد (سلیمی و داوری، ۱۳۸۲، ص ۶۰۵).

۹-۲. تبیین‌های زیست‌شناختی

این تبیین‌ها به بررسی علل و عوامل زیست‌شناختی و فیزیولوژیک کجروی، از جمله آسیب‌پذیری‌های ژنتیک و ویژگی‌های جسمی و فیزیکی می‌پردازند و مواردی مانند ساختمان

۱. برای دیدن نظریه‌های جرم‌شناختی و طبقه‌بندی‌های آنها ر.ک:

سلیمی و داوری، جامعه‌شناسی کجروی، ص ۳۴۷-۵۶۵؛ صدیق سروسستانی، آسیب‌شناسی اجتماعی، ص ۴۴-۴۱؛ محسنی تبریزی، وندالیسم، ص ۴۵-۲۰۷؛ وایت، رابرت داگلاس، فیونا هنیز، جرم و جرم‌شناسی، ترجمه علی سلیمی.

جمع‌همه، نابهنجاری‌های کروموزومی، وضعیت خاص ژن‌ها، جنس، سن، نوع خون، سوابق بیماری، وضع ترشح غدد و حتی نژاد را علت کجروی می‌دانند (کی‌نیا، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۶۳). این نوع تبیین‌ها اگرچه در حال حاضر چندان مورد توجه جرم‌شناسان قرار ندارند و انتقادهای فراوانی نیز بر آنها وارد شده، اما نمی‌توان در تحلیل جرم و کجروی به کلی آنها را نادیده گرفت. راهکارهای کنترل‌کننده و پیشگیرانه در این نوع تبیین‌ها، براساس نوع ناهنجاری‌های زیستی، متفاوت هستند؛ در مواردی که ناهنجاری قابل درمان نباشد، تنها راه کنترل و پیشگیری، کنترل فیزیکی از طریق ایجاد موانع بر سر راه بزهکاری، مانند ناتوان‌سازی است؛ اما در مواردی که ناهنجاری قابل درمان باشد، پیشگیری مبتنی بر راهکارهای درمانی مانند درمان آلرژی‌ها، استفاده از داروهای شیمیایی تغییر خلق‌وخو و حتی جراحی مغزی محکومان جرایم جنسی برای از بین بردن یا تحت کنترل درآوردن انگیزه‌های جنسی است. این راه‌حل‌ها اگرچه با انتقاد برخی حقوق‌دانان و جرم‌شناسان مواجه شده‌اند، اما طرفدارانی نیز دارند؛ از جمله، مدینیک و همکاران مدعی هستند تحلیل زیستی ویژگی‌های مجرمانه، خواه ویژگی‌های موروثی یا ویژگی‌های اکتسابی، راه را برای توسعه ابزارهای پیشگیری هموار می‌سازد. آنان می‌گویند همان‌گونه که شماری از خصوصیت‌های موروثی بیماری‌ساز را می‌توان پس از شکستن ترکیب ژنتیک آنها با دارو درمان کرد، یافتن نوعی راه‌حل ژنتیک برای درمان رفتارهای مجرمانه هم راه‌حل غیرممکنی نخواهد بود (مدینیک^۱ و دیگران، ۱۹۹۸، ص ۱۵۴).

۳-۹. تبیین‌های روان‌شناختی

این تبیین‌ها بر تفاوت‌های فردی اشخاص در شیوه تفکر و احساس درباره رفتار خود و نیز اختلالات روانی و شخصیتی افراد و تأثیر آنها بر انحراف و کجروی تأکید دارند. این تبیین‌ها خود براساس توجه ویژه به یک عامل روان‌شناختی خاص به چند دسته تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از: الگوهای روان‌کاوی، الگوهای تفکر بزهکارانه، نقیصه‌های شخصیتی و نیازهای اساسی (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰، ص ۴۰۶). مهم‌ترین راهکار پیشگیرانه براساس این تبیین‌ها، پیشگیری اولیه است که در پی درمان مشکلات روان‌شناختی این افراد است، پیش از اینکه این مشکلات به صورت رفتارهای کجروانه ظهور پیدا کند. در این راستا ارائه مشاوره‌های روان‌شناختی و حتی استفاده از برخی داروها برای تنظیم اختلالات عصبی و روانی مورد توجه قرار می‌گیرد.

1. Mednick

۹-۴. تبیین‌های جامعه‌شناختی

تبیین‌های جامعه‌شناختی طیف وسیعی از تبیین‌های جرم و کجروی را شامل می‌شوند که وجه مشترک همه آنها توجه به عوامل اجتماعی و بیرونی جرم و انحراف، به جای توجه به عوامل فردی و درونی است. این تبیین‌ها خود براساس نوع تعریفی که از جرم و انحراف ارائه می‌دهند و نیز نگاه خاصی که به ماهیت انسان دارند، به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌شوند و عوامل متفاوتی را به عنوان عوامل انحراف و کجروی معرفی می‌کنند. آن دسته از این تبیین‌ها که معتقدند انسان ذاتاً موجودی است هنجارگرا، به دنبال یافتن عوامل اجتماعی انحراف و کجروی هستند و سؤال اصلی آنها این است که چرا انسان کجروی می‌کند و چگونه می‌توان عوامل مؤثر بر کجروی را شناخت و تحت کنترل درآورد. در این‌گونه تبیین‌های اجتماعی، جرم و کجروی براساس نوع عوامل شناخته‌شده، راهکارهای پیشگیرانه خاصی ارائه می‌شود که به‌طور عمده به اصلاح ساختارهای اجتماعی و تأمین نیازهای اولیه افراد مربوط می‌شود. اما تبیین‌هایی که بر این فرض استوارند که انسان ذاتاً موجودی متمایل به انحراف و کجروی است، معتقدند ما نباید به دنبال شناخت عوامل انحراف باشیم؛ زیرا انحراف امری طبیعی و ذاتی است، بلکه باید به دنبال یافتن پاسخ این سؤال بود که چرا انسان‌ها همنوایی می‌کنند و چه عواملی موجب کنترل تمایلات مجرمانه آنها می‌شوند. بر همین اساس، نظریه‌های مختلف کنترل شکل گرفته است که هر کدام بر یکی از عوامل کنترل‌کننده رفتار انسان تأکید دارند. از سوی دیگر، تبیین‌های جامعه‌شناختی براساس تعریف خاصی که از انحراف و کجروی دارند، به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند؛ آن دسته از تبیین‌هایی که انحراف و کجروی را واقعیتی عینی می‌دانند که براساس معیارهای واقعی قابل شناخت و اندازه‌گیری است، مداخله جامعه در کنترل و پیشگیری از آن را امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌دانند و کجروی را ناشی از ضعف کنترل و نظارت اجتماعی می‌شمرند. اما دیدگاه‌هایی که انحراف را محصول نگرش بخشی از افراد جامعه نسبت به رفتار بخش دیگر و توانایی برچسب مجرمانه زدن بر برخی از رفتارها می‌دانند و برای آن هیچ واقعیتی معتقد نیستند، مهم‌ترین راهکار مقابله با جرم و انحراف را استفاده کردن از سازوکار عدم مداخله یا کمترین مداخله، جرم‌زدایی و مانند آن می‌دانند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰، ص ۶۱۵).

۹-۵. تبیین‌های روان‌شناختی اجتماعی

این تبیین‌ها انحراف و کجروی را ناشی از تأثیرات متقابل جامعه و روان آدمی می‌دانند و می‌کشند پیوندی میان عوامل فردی و عوامل اجتماعی جرم و انحراف برقرار سازند. جرم و بزهکاری در این رویکردها اگرچه ریشه در ویژگی‌های شخصیتی و روان‌شناختی افراد و نوع نگرش و تصور آنها از این پدیده دارد، اما شخصیت و هویت انسان‌ها نیز تحت تأثیر عوامل اجتماعی قرار دارد و از آنها تأثیر می‌پذیرد. بنابراین، در این تحلیل‌ها فرض بر آن است که کجروی پدیده‌ای است که در خلال کنش متقابل اجتماعی، فراگرفته می‌شود و این فراگیری نیز ناشی از فرایندهایی مانند یادگیری شرطی، تقویت، مشاهده و الگوسازی و همچنین برجسب اجتماعی است (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰، ص ۴۹۹).

ترکیب عوامل اجتماعی و فردی در این رویکرد که از طریق کنش متقابل اجتماعی صورت می‌گیرد، موجب شده که بزهکاری و انحراف، ناشی از فرایند یادگیری محسوب شوند، به گونه‌ای که در برخی از این دیدگاه‌ها مطرح می‌شود که بزهکاری جز از طریق یادگیری و الگوپذیری از دیگران پدید نمی‌آید. به همین دلیل مهم‌ترین نظریه‌های مطرح در این تبیین‌ها، نظریه‌های یادگیری هستند.

مهم‌ترین راهکارهای بازدارنده و پیشگیرانه در این تحلیل‌ها نیز مبتنی بر فرایند آموزش و یادگیری هستند. اگر بپذیریم افراد در اثر فراگرفتن تعریف‌ها و نگرش‌های مثبت به جرم و انحراف به ارتکاب آن روی می‌آورند، می‌توان این فرض را نیز پذیرفت که با آموزش و تربیت نیز می‌توان این نگرش‌ها را تغییر داد و بزهکاری را امری نادرست معرفی کرد و تعریف‌های موافق با رعایت هنجارهای اجتماعی را به بزهکاران و کسانی که در معرض بزهکاری قرار دارند، القا کرد و در نتیجه مانع از شروع بزهکاری و استمرار آن شد. بنابراین، یادگیری همان‌گونه که عامل اصلی بزهکاری است، عامل اصلی پیشگیری و کنترل آن نیز محسوب می‌شود.

۹-۶. نظریه اسلام

با مروری کوتاه بر نظریه‌های جرم و انحراف، اینک زمینه طرح دیدگاه اسلام در این زمینه فراهم آمده و تلاش خواهد شد تا با طرح این دیدگاه، به راهکارهای پیشگیرانه‌ای که متناسب با آن مطرح شده‌اند، اشاره شود و در ادامه پژوهش حاضر این راهکارها به تفصیل و در قالب یک الگوی جامع و فراگیر ارائه گردند.

پیش از تبیین دیدگاه اسلام در خصوص جرم و کجروی، یادآوری این نکته لازم است که چنین کاری تلاش علمی مستقل و گسترده‌ای می‌طلبد که تاکنون نیز انجام نشده است و این پژوهش نیز قصد ندارد به صورت کامل به آن بپردازد؛ اما از آنجا که شناخت آموزه‌ها و راهکارهای پیشگیرانه از دیدگاه اسلام جز از طریق شناخت دیدگاه اسلام نسبت به ماهیت جرم و کجروی و علل و عوامل آن امکان‌پذیر نیست، در این مقدمه صرفاً به خطوط کلی نظریه اسلام در خصوص این پدیده اشاره می‌شود و ارائه کامل این نظریه مجال دیگری می‌طلبد.

الف) واقعی بودن جرم و کجروی

برخلاف دیدگاه‌هایی که جرم و انحراف را ساخته و پرداخته نگرش گروه‌ها و طبقات خاصی نسبت به رفتار دیگران و در راستای منافع آن گروه‌ها می‌دانند و هیچ معیار واقعی برای آن نمی‌شناسند، از دیدگاه اسلام، جرم و انحراف واقعیتی عینی و واقعی دارند و جرم‌انگاری در راستای تأمین مصالح واقعی فرد و جامعه صورت گرفته است و هیچ‌گونه جهت‌گیری خاصی در راستای منافع گروه‌ها و طبقات خاص در آن دیده نمی‌شود. این واقعیت افزون بر اینکه مورد تأیید قرآن کریم است و آیه ۹۰ سوره نحل «وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ»، بر آن دلالت می‌کند، ریشه در یک بحث کلامی عمیق دارد که براساس آن همه اوامر و نواهی الهی تابع مصالح و مفاسد نفس‌الامری بوده و در راستای سعادت واقعی انسان تشریح شده‌اند. توجه به این واقعیت موجب می‌شود که افراد تعهد و پایبندی بیشتری نسبت به قوانین کیفری اسلام داشته باشند و از ارتکاب آنچه برخلاف سعادت فردی و اجتماعی آنهاست، بپرهیزند.

ب) دو بُعدی بودن ماهیت انسان

برخلاف دیدگاه‌های جرم‌شناختی که انسان را موجودی می‌دانستند که ذاتاً گرایش به هنجارمندی دارد و کجروی امری خلاف طبیعت اوست و در نتیجه باید به دنبال شناخت علل و عوامل انحراف و مقابله با آنها بود؛ همچنین برخلاف نظریه‌هایی که انسان را ذاتاً متمایل به شرّ و کجروی می‌دانند و در نتیجه خود را فارغ از شناخت عوامل بزهکاری دانسته و کنترل رفتار را مهم‌ترین عامل بازداشتن انسان از انحراف و کجروی معرفی می‌کردند؛ اسلام، انسان را موجودی دو بُعدی می‌داند که ذاتاً متمایل به خیر و شرّ در او وجود دارد و انسان با اختیار خود به دنبال یکی از این دو گرایش حرکت کرده و مسیر خود را انتخاب می‌کند. براساس این نگرش انسان‌شناختی که

مورد تأیید آموزه‌های قرآنی است و آیه هشتم سوره شمس (فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا) بر آن دلالت دارد، هم انحراف و کجروی انسان نیاز به علت‌شناسی دارد و هم همنوایی او با هنجارهای رفتاری باید بررسی شود و به همین دلیل در آموزه‌های دینی هم به بررسی علل بزهکاری پرداخته شده و راهکارهایی برای از بین بردن یا کاهش این عوامل ارائه شده و هم به کنترل و نظارت اجتماعی به عنوان یک راهکار اساسی برای بازداشتن افراد از انحراف و کجروی توجه شده است. به سخن دیگر، در دیدگاه اسلام هم به عوامل جرم‌زا توجه شده و هم به عوامل بازدارنده و کنترل‌کننده رفتار و از این جهت، این دیدگاه از جامعیت بیشتری نسبت به نظریه‌های جرم‌شناختی دیگر برخوردار است.

ج) توجه به همه عوامل جرم و انحراف

نظریه‌های جرم‌شناختی هر کدام به یک یا چند عامل جرم و انحراف توجه کرده و عوامل بسیاری را نادیده گرفته‌اند. در دیدگاه‌های کلاسیک فقط بر انتخاب و گزینش انسان تأکید شده است، ولی بر اینکه چرا فقط بعضی از افراد این‌گونه تصمیم‌گیری می‌کنند، توجهی نشده است. در دیدگاه‌های اثباتی نیز یا صرفاً بر عوامل زیستی و انسان‌شناختی تأکید شده، یا بر عوامل روان‌شناختی، یا بر عوامل جامعه‌شناختی و همه این دیدگاه‌ها صرفاً بر عوامل مادی و تجربی جرم تأکید داشته‌اند و هیچ‌گاه بر عواملی فراتر از این عوامل توجه نکرده و نمی‌توانسته‌اند توجه کنند؛ چرا که پارادایم حاکم بر نظریه‌های جرم‌شناختی، پارادایم پوزیتیویستی است و پوزیتیویسم هرگز به انسان اجازه نمی‌دهد بر عوامل ماورای طبیعی به عنوان عامل یک پدیده توجه کند.

اسلام به عنوان دینی که هدف اساسی خود را سعادت و کمال انسان قرار داده و حساسیت خاصی در قبال انحراف و کجروی انسان از مسیر رشد و تعالی دارد، به همه عوامل فردی و اجتماعی، درونی و بیرونی، مادی و معنوی و طبیعی و ماورای طبیعی انحراف و کجروی توجه کرده و به انسان برای مقابله با همه این عوامل هشدار داده و از او خواسته است که از این عوامل بپرهیزد و خود را در معرض تأثیر آنها قرار ندهد.

در این دیدگاه، همه عوامل جرم و بزهکاری، عواملی زمینه‌ساز شناخته می‌شوند که می‌توانند زمینه انتخاب و تصمیم‌گیری انسان را فراهم سازند، بدون اینکه از او سلب اختیار کنند و به همین دلیل، در همه جرایم و انحراف‌ها، خود انسان مسئول شناخته می‌شود؛ اگرچه ممکن